

جایگاه مقام سلطان در اندیشه عرفانی انسان کامل سید علی همدانی

علی قانعی زوارق^۱ - ولی دین پرست^۲ - علیرضا کریمی^۳ - ناصر صدقی^۴

چکیده

عرفای مسلمان در قرن هشتم، در طرح اندیشه سیاسی خود، تحت تاثیر اندیشه ی عرفانی «انسان کامل» ابن عربی قرار گرفتند. میرسیدعلی همدانی از این دسته عرفای مسلمان است که معتقد به حکومت انسانهای کامل است. حکومتی که از سوی انبیا و اولیای الهی شکل گرفته و دین و سیاست توأمان در مقام آنها بوده است. هر چند استقرار چنین حکومتی آرمان اوست؛ اما او در قرن هشتم هجری با حکومت سلاطین مسلمان عصر خود مواجه است (تیمور در ایران و حکام مسلمان نواحی کشمیر). او به ناچار حکومت آنها را مشروع دانسته و سلطان را در جایگاه انسان کامل قرار داده و وی را ملزم به رعایت ویژگیهای نیک و اخلاقی انسان کامل در امر حکومت داری می نماید. این که همدانی در نبود انبیا و اولیای الهی به عنوان انسان کامل، چگونه به سلاطین همچنین جایگاهی می دهد، مساله تحقیق حاضر است. هدف او رعایت اخلاق سیاسی برگرفته از انسان کامل در رفتار سلاطین بوده تا در غیاب انسان کامل، نمودی از رفتار آنها را در وجود حاکمان وقت پیاده سازد. بدین شکل تعامل و ارتباط نزدیک بین اندیشه ی عرفانی با اندیشه سیاسی ایجاد کرده است. این پژوهش با بهره گیری از منابع تاریخی و به روش تحلیلی و توصیفی به تبیین موضوع پرداخته و اندیشه سیاسی سیدعلی همدانی در استقرار مطلوب ترین حکومت ها در جهان اسلام را بیان کرده است.

واژه‌های کلیدی: اندیشه سیاسی، انسان کامل، اندیشه سلطانی، سید علی همدانی، قرن هشتم

هجری

alighane54@yahoo.com

vali_dinparast@yahoo.com

ali-karimi@tabrizu.ac.ir

n_sedghi@tabrizu.ac.ir

^۱ - دانشجوی دکترا دانشگاه تبریز

^۲ - دانشیار دانشگاه تبریز

^۳ - دانشیار دانشگاه تبریز

^۴ - دانشیار دانشگاه تبریز

۱- مقدمه:

از عصر فارابی به بعد، سیاست از دید فیلسوفان مسلمان در ذیل حکمت عملی مطرح می شد و آن را براساس مبانی و اصول کلی حکمت نظری بیان می کردند. فلسفه سیاسی عرصه مباحثه های علمی بود، اما بی تردید در آن زمان هنوز ساختارهای علم سیاست به صورت مدون طراحی نشده بود. بر این اساس ویژگی اصلی اندیشه سیاسی فارابی توجه خاص به مقوله اخلاق در سیاست بود. این امر آبشخور بسیاری از نظریه پردازان بعد از وی شد. بعد از فلاسفه، عرفا هم به تبعیت از آنها در بیان اندیشه سیاسی خویش اخلاق را سرلوحه کلام خویش قرار دادند. عرفایی چون سیدعلی همدانی در ارائه اندیشه سیاسی خویش همانند فلاسفه، سر رشته کلامشان اخلاق فردی و اخلاق مدنی شد؛ آنان در نبود حکومت انسان کامل حق حکومت را به سلاطینی می دادند که واجد شرایط اجرای عدالت و رعیت داری و به طور کلی دارنده اخلاق سیاسی پسندیده باشند. به عبارتی حکومت آرمانی مورد نظر سیدعلی همدانی در غیاب انسان کامل، در وجود سلاطین و حکامی متجلی می شد که حداقل های اخلاق و ویژگیهای انسان کامل را سر لوحه کار خود قرار داده بودند.

سید علی همدانی از عرفای مسلمان قرن هشتم (ه.ق) اعتقاد دارد مصلحت الهی چنین اقتضا نموده، حاکمانی به حکومت بر گزیده شوند تا افراد را از ظلم و ستم بر یکدیگر منع نموده و عدالت بر پا دارند. او بهترین حاکمان را انبیای الهی از آدم تا پیامبر اسلام (ص) نام برده و آنان را مصداق عینی انسان کامل در امر حکومت قرار داده است که مطلوب ترین حکومت ها مبتنی بر اخلاق سیاسی را برقرار کرده اند. در اندیشه سیاسی همدانی، حکومت آرمانی، همان حکومت انبیا و اولیای الهی است. اما او چون امکان تشکیل چنین حکومتی را در شرایط تاریخی نیمه دوم قرن هشتم (ه.ق) فراهم نمی بیند، به حکومت سلاطین مسلمان آن عصر روی آورد و آنان را مصداق انسان کامل و جانشین خدا بر روی زمین نامیده و سعی کرده با اصلاح رفتار سلاطین مسلمان حداقل شرایط لازم را برای استقرار حکومت مطلوب فراهم نماید.

همدانی در بیان اندیشه سیاسی عرفانی خود همانند فلاسفه مسلمان به تفصیل از اخلاق فردی و اخلاق خانواده برای رسیدن به سعادت جامعه بحث کرده، آنگاه خطاب به سلاطین در قالب پند و اندرز وظایفی متذکر شده است که مطابق شرع اسلام باید انجام دهند و بیشتر جنبه اخلاقی دارد. او از یک سو حاکم عادل را حافظ دین و امورات

مسلمین می داند و اجرای امر به معروف و نهی از منکر را از مهمترین وظایف او بر می شمارد، از سوی دیگر از رعایت عدالت با رعایا بحث می کند. در اندیشه سیاسی او، سلطان، نمودی از یک انسان کامل است که از جانب خداوند به حکومت برگزیده شده است. اوست که محور قدرت در جامعه است. کشورداری او بر مبنای رعایت عدالت و تکیه بر اعتقادات دینی و پیشگیری از مفساد در اجتماع اسلامی تبیین شده است. این همان تعامل اندیشه پادشاهی و اندیشه عرفانی است که باعث تداوم و پویایی اندیشه سیاسی عرفانی شده است.

این نوشتار با طرح این مدعا که سید علی همدانی تلاش می کند در غیاب انسان کامل، حاکمان وقت را در جایگاه انسان کامل قرار داده و آنها را به رعایت ویژگی های انسان کامل و رعایت اخلاق سیاسی ترغیب کند، به این سؤال جواب می دهد که همدانی از چه طریقی این هدف خود را دنبال می کند؟ و این که سید علی همدانی چگونه با طرح اندیشه ی سیاسی عرفانی انسان کامل به تبیین اندیشه سیاسی خود پرداخته است؟ اهمیت تحقیق، تحلیل زوایایی از اندیشه سیاسی عرفانی سید علی همدانی است که تا به حال مورد بررسی قرار نگرفته است. او حکومت آرمانی خویش را در جامعه ای جستجو می کند که حاکم وقت از الگوها و روش حکومتی انسان کامل (انبیاء و اولیاء الهی) پیروی کند و این چنین با طرح بحث اندیشه سیاسی عرفانی انسان کامل و بیان مولفه های آن اندیشه سیاسی خویش را تبیین می کند. همدانی به سلاطین گوشزد می کند به شرط دارا بودن صفاتی مانند؛ عمل صالح، دوری از ریا، احسان و نیکی، عدالت و... می توانند جانشین انسان کامل در حکومت باشند و مقام «ظلّ اللّهی» را داشته باشند.

۲- پیشینه تحقیق

در مورد موضوع پژوهش حاضر، اثر مستقل پژوهشی صورت نگرفته است و به طور پراکنده در بررسی اندیشه های سیاسی مربوط به تاریخ میانه ایران اشاراتی گذرا بر آن شده است. با وجود اهمیت آثار سید علی همدانی، ابعاد عرفانی و سیاسی اندیشه وی کمتر مورد توجه و بررسی قرار گرفته است. گرچه تحقیق مفصلی در کتاب "احوال و آثار و اشعار میر سید علی همدانی با شش رساله از وی" (۱۳۷۰) توسط محمد ریاض انجام شده، اما کمتر به جنبه های اندیشه سیاسی وی توجه شده است. در مقاله ی

"اندیشه های سیاسی سید علی همدانی" در نشریه علوم سیاسی (۱۳۸۳) عبدالرضا احمدی نیز مباحثی چون ضرورت جامعه، ضرورت سیاست و حکومت، رابطه دین و اخلاق با حکومت و بحث مشروعیت حکومت از دیدگاه سید علی همدانی تحلیل و بررسی کرده است. با وجود اینکه در این مقاله گوشه هایی از اندیشه سیاسی سید علی همدانی مورد توجه قرار گرفته و نگاه همدانی به سیاست از محور سلطان بررسی شد است، اما اندیشه سیاسی عرفانی انسان کامل و اخلاق سیاسی سید علی مورد توجه واقع نشده است. افراسیاب پور علی اکبر نیز در مقاله ی «جایگاه عدالت در اندیشه های میر سید علی همدانی» (۱۳۹۸) صرفا به بررسی عدالت اجتماعی در اندیشه همدانی پرداخته است. در مقاله ی «بررسی اوضاع سیاسی و اجتماعی روزگار میر سید علی» (۱۳۹۶) لیلا تقوی نیز بیشتر به بررسی اوضاع سیاسی دوران زندگی سید علی همدانی و حیات سیاسی او پرداخته است، بدون اینکه اندیشه سیاسی او مورد بررسی قرار گرفته باشد. آنچه که این نوشتار را از دیگر مطالعات مشابه متمایز می کند، تازگی، نو بودن و اهمیت اثر حاضر است. این پژوهش، اندیشه سیاسی عرفانی انسان کامل و اخلاق سیاسی سلطان به عنوان ارکان اندیشه سیاسی سید علی همدانی را بررسی کرده که تا کنون مورد مذاقه و بررسی قرار نگرفته است.

۳- زندگی، مذهب و منش سید علی همدانی

میر سید علی همدانی از عرفای نامی ایران در قرن هشتم هجری بود که در سال ۷۱۴ هجری در همدان بدنیا آمد. نسب او را با ۱۶ واسطه از سوی پدر به امام زین العابدین و با ۱۷ واسطه از سوی مادر به پیامبر (ص) رسانده اند (بدخشی، ۱۹۹۵: ۱۳). او نزد علاءالدوله سمنانی و نجم الدین محمد اذکانی علوم ظاهری و باطنی آموخت و سپس برای کسب فیض نزد مشایخ صوفیه به سیر و سیاحت پرداخت. در گرماگرم حملات تیمور به ایران، به خراسان و ترکستان مسافرت نمود و در ملاقات با تیمور مشاجرات لفظی با او داشت. او در ملاقات با تیمور بیان کرد که حکومت و دنیا را نمی خواهد و تیمور به زبان سیاسی از او خواست که در آن خطه نماند (همان: ۳۷۰-۳۶۹). در سال ۷۷۴ ه.ق به همراه هفتصد تن از مریدانش از ایران عازم منطقه کشمیر گردید. او در سال ۷۸۶ ه.ق هنگام مراجعت از کشمیر و عزیمت به ترکستان در نزدیک کونار درگذشت. مریدانش جسد او را به ختلان منتقل کرده و در کولاب (واقع در تاجیکستان امروزی) دفن کردند (همدانی، ۱۳۵۸: ۳۰-۲۶). همدانی به غیر از تربیت مریدان و تبلیغ

اسلام، دهها کتاب و رساله در زمینه های عرفانی، اعتقادی، تربیتی، ارشادی، ادبی و اجتماعی تألیف کرد.

از نکات مهم و قابل توجه شخصیتی میرسیدعلی که مبتنی بر آموزه های دینی و سلوک عرفانی وی است می توان به روحیه وی در مبارزه با سلاطین ستمگر و والیان طغیان گر اشاره داشت. بررسی سیر و سلوک رفتاری و کرداری میرسیدعلی همدانی نشان می دهد که وی برخلاف سایر عرفا و مشایخ همزمان خود، عزلت نشین و منفعل نبوده، در هر جایی که لازم بود با کلام و اقدام خود علیه ظالم برخاسته است. او برای اینکه وابسته به صله و بخشش های حاکمان نباشد، از دسترنج خود امرار معاش می کرد و برای کسب روزی حلال، کار می کرد (ریاض، ۱۳۷۰: ۵۶)، تا با کمال صراحت و بی پروایی به پند و اندرز سلاطین پرداخت. در امور حکومتی و سیاسی داخل نشد با وجود این نسبت به وضعیت سیاسی جامعه بی تفاوت نبود و عقاید سیاسی خود را مبتنی بر مبانی دینی برگرفته از قرآن و سنت بیان نموده است.

مجموعه مکتوبات و تالیفات او مملو است از پند و اندرز و توصیه برای رعایت عدل و انصاف و خدا ترسی برای تیمور و حاکمان مسلمان نواحی کشمیر. با توجه به اندیشه های همدانی می توان گفت که این عارف متشرع، شریعت را بر طریقت ترجیح می دهد. این سخن ایشان همه ناگفته ها را تبیین می کند «زهار اگر اقامه امور دین را سهل بگیرد، نتیجه نخواهد داد» (همدانی، رساله بهرامشاهیه به نقل از ریاض، ۱۳۵۳، ۴۹).

درباره مذهب وی نزد نویسندگان اختلاف نظر وجود دارد. بعضی سید علی همدانی را شافعی مذهب می دانند. از سوی دیگر او در مورد محبت و مودت اهل بیت کتابی نوشته است. او از معدود عرفا و متصوفانی است که پیروان مذاهب گوناگون اسلامی اعم از شیعه، حنفی، شافعی و حنبلی، او را از هم مسلکان خویش می دانند. همدانی شیعه و از نوادگان حضرت علی (ع) بودن خود را در آثارش اعلام کرده است (فغانی، ۱۳۹۴: ۳۷). هدایت نیز اشعار زیر از همدانی را دلیل بر شیعه بودن او ذکر می کند:

گر مهر علی و آل بتولت نبود
امید شفاعت ز رسولت نبود

گر طاعت حق جمله بر آوردی تو
بی مهر علی هیچ قبولت نبود

(هدایت، ۱۳۸۹: ۵۱).

با این حال بعضی محققان به دلیل عدم تصریح همدانی بر تشیع خویش در برخی از آثارش، در صحت انتساب رسائلی چون اسرار الوحی که تمایلات شیعی در آن روشن است تردید کرده اند (انواری، ۱۳۵۶: ۳۰۰). برخی از آثار سید رنگ و بوی سنی دارد؛ از

جمله کتاب ذخیره‌الملوک از نظر سیاسی بر سیاق نظر اهل سنت نگاشته شده است؛ هر چند برخی نیز در همین کتاب نیز شواهدی از تشیع نویسنده آن یافته‌اند. (اذکایی، ۱۳۹۴: ۲۶).

۴- مفهوم انسان کامل

انسان کامل ماحصل فهم عارفانه از کلام خداست. «خداوند آدم را خلق کرد. پس آدم آینه ای بود که خداوند در آن آینه به صورتش نظر کرد و عقلی بود که خداوند با آن کمال وجودش را ادراک کرد. پس آدم خلیفه ی حقیقی خداوند است. او آن صورت الهی است که در حدیث به آن اشاره شده، خدا آدم را به صورت خود آفرید» (قیصری، ۱۳۷۵: ۲۶۴). بنابراین انسان کامل جانشین و خلیفه خداوند است (کاشفی، ۱۳۸۴: ۲۰۸). تقدم رتبه انسان کامل بر هموعانش به جهت دارا بودن ویژگی های اصلح، موضوعی است که زمینه را برای امکان حکومت و فرمانروایی، یا الگو قرار دادن وی مساعد می کند. واژه اکمل از سوی ابن عربی بر انسان کامل در همین راستا می باشد (ابن عربی، ۱۳۸۵: ۱۸۶). همه عارفان شاعر و شاعران عارف، نبی اکرم (ص) را نمونه ای کامل و تمام عیار مکارم اخلاقی و واجد کلیه صفات انسانی دانسته و از شخص پیامبر (ص) به عنوان عالی ترین انسان کامل یا انسان اکمل یاد کرده اند. یکی از ویژگیهای انسان کامل حق ولایت و حکومت اوست. شاخصه اصلی در ولایت انسان کامل، حق حکومت و تصرف در امور است و به عبارتی در انسان کامل تمام اسماء و صفات الهی را در خود به نمایش می گذارد (همان: ۵۲۳). پس از دید عرفای مسلمان، نخستین مصداق عینی انسان کامل انبیاء الهی از آدم تا حضرت محمد (ص) هستند و پس از ایشان ائمه اطهار، عرفا و اولیاء الهی انسان کامل محسوب می شدند. اندیشه انسان کامل از سوی عرفای ایرانی در زمانی مطرح شد که خلافت عباسیان سقوط کرده، در نتیجه خلاء مشروعیت سیاسی فضا را برای بروز اندیشه های جدید فراهم ساخته بود. در دیدگاه عرفا، انسان کامل واسطه بین خالق و مخلوق و حجت خداوند بر روی زمین است؛ این شخصیت والا مقام، کسی جز معصوم (ع) و امام و پیشوای همه مردم کسی دیگر نیست. عرفای مسلمان با طرح این اندیشه در صدد برآمدند جاگزینی برای خلافت پیدا کنند. از نظر آنان والاترین انسان برای خلیفه الهی، انسان کامل است و در شرایط زمانی قرن هشتم تلاش نمودند سلاطین را به پیروی از رفتارهای انسان کامل وادار نمایند.

۴-۱- ریشه های تاریخی اندیشه سیاسی انسان کامل

تعبیر انسان کامل در عرفان اسلامی به قرن هفتم هجری باز می گردد. چنانکه بین اهل عرفان و تصوف مشهور است، پیدایی و رواج این اصطلاح به ابن عربی نسبت داده شده است. البته این اندیشه قبل از قرن هفتم از زمان حلاج (م. ۳۰۹) هم وجود داشت و در مسیر خود با فراز و فرودهایی تا قرن هفتم ه.ق ادامه یافت و بتدریج، مایه هایی از عرفان و تصوف به خود گرفت و در کلام ابن عربی به اوج خود رسید. بعد از حلاج ابن عربی نخستین کسی است که در عرفان اسلامی اصطلاح انسان کامل را در آثار خود به کاربرد برده و درباره ویژگی های چنین انسانی به تفصیل بحث کرده است. او می گوید چون انسان کامل، مظهر جمیع اسما حق تعالی است، پس خدا را باید به وسیله او شناخت یعنی با شناخت انسان کامل است که معرفت به حق پیدا می شود و خداوند نیز آیات خود را که نشانه های وجودیش می باشد در این موجود قرار داده است (نصری، ۱۳۷۵: ۳۴۱). یکی از مبانی اساسی نظام فکری ابن عربی، تعظیم و تکریم حضرت محمد (ص) است که در نظریات وی، نقش انسان کامل را بر عهده دارد.

نجم الدین رازی (م. ۶۵۴) نیز پیامبران را برترین و کامل ترین انسان ها می داند، (رازی، ۱۳۷۱: ۱۴۳) و در نبود انسان کامل، سلطان را سایه خداوند بر روی زمین معرفی نموده است. نسفی (م. ۶۹۹) نخستین کسی است که اثر مستقلی را به عنوان «الانسان الکامل» تألیف نموده است. او در مورد انسان کامل می نویسد: «انسان کامل آنست که در شریعت و طریقت و حقیقت تمام باشد... انسان کامل آن است که او را چهار چیز به کمال باشد: اقوال نیک، افعال نیک، اخلاق نیک، معارف» (نسفی، ۱۳۸۶: ۷۴). او انسان کامل را به مرکز اصلی مباحث خود تبدیل کرد و این مفهوم را با مباحث هستی شناسی و معرفت شناسی خود پیوند داد (فدایی، ۱۳۸۸: ۱۶۴). شیبستری (م. ۷۲۰) نیز اندیشه انسان کامل را از ابن عربی اخذ کرده است و در گلشن راز و حق الیقین آورده است. از نظر وی انسان کامل جامع ترین مظهر صفات الهی است (موحد، ۱۳۷۶: ۹۶). قیصری (م. ۷۵۱) هم معتقد است که خداوند، آفرینش را به واسطه انسان کامل حفظ می کند. پیش از آفرینش انسان، خود خداوند حافظ بود. انسان، به سبب خلافتی که دارد، عالم را حفظ می کند و به همین سبب خلیفه نامیده شد (قیصری، ۱۳۸۷: ۷۳). ابرقوهی در کتاب مجمع البحرین همانند سایر عرفا به توصیف انسان کامل می پردازد. وی انسان کامل را در قالب روحی می داند که حق تعالی مدینه ای بنام جسم یا بدن آفرید که خلیفه در آن

سکنی می یابد و چون سکنی یافت پادشاه آنجا محسوب می شود که بر دارالملک جسم حکم می راند (ابرقوهی، ۱۳۶۴: ۳۲).

۴-۲- انسان کامل در اندیشه سیاسی عرفانی سید علی همدانی

سید علی همدانی در راستای طرح اندیشه انسان کامل، معتقد است بهترین خلق پیامبرانند، از نظر او افضل انبیاء، رسل الوالعزم؛ نوح، ابراهیم، موسی، عیسی و محمد (ص) و سپس صحابه کرام، بعد از پیامبران بهترین خلق بوده اند (همدانی، ۱۳۵۸: ۱۷). او در ذکر اوصاف انسان کامل، پیامبران الوالعزم از حضرت آدم تا رسول اکرم (ص) را نمونه انسان کامل می داند (همان: ۱۴۹). وی انسان کامل را آینه و راهنمای روزگار می نامد و او را دارنده مقام خلیفه الهی می داند و سلاطین را به اطاعت از پندهای آنان دعوت می کند (همان: ۳۳۴). حق حاکمیت بر زمین را از آن انسان کامل می داند، چون از تشکیل حکومت در زمان خود از سوی چنین انسانهایی ناامید است بنا بر مصلحت، سلاطین را جانشین خدا روی زمین خطاب می کند و می گوید سلطان «در زمین نایب و برگزیده حق و سایه الله و خلیفه رحمن است» (همان: ۲۵۰). او نخستین انسان کامل در حکومت را حضرت آدم می داند (همان: ۲۲۶). وجود حضرت آدم را تجلی سیاست و نبوت می نامد. «وجود شریف حضرت آدم جامع دو منصب بود: یکی منصب نبوت، دوم منصب سلطنت» (همان: ۲۲۷). همدانی پس از معرفی انبیا و اولیای الهی به عنوان انسان کامل و دارنده منصب نبوت و سلطنت، به ذکر اوصاف انسان کامل می پردازد و می نویسد:

«ای عزیز بدان که وجود آدمی نسخه آفرینش است از این جهت که حکما آن را عالم صغیر می خوانند زیرا خداوند هر چه از عرش تا ثریا آفریده نمودار آن در وجود آدمی تعبیه فرموده است بلکه آنچه در عرش و فرش و آسمان و زمین ننگند در عرصه دل انسان گنجانید چنان که در قرآن مجید فرمودند: عظمت اسرار معرفت ما در آسمان و زمین ننگنید اما در دل پاک مومن پرهیز کار گنجید، پس مملکت وجود انسانی اگر چه به صورت ظاهر عالم صغیر است اما از جهت حقیقت و معنی جهان کبیر است» (همان: ۲۹۱).

پس پادشاهی کردن چنین انسانی در ولاتی محدود، بدون تهیه اسباب و ارکان دولت از وزیر، نائب، شحنة، جابی، برید، عامل، مشرف و قاضی میسر نمی شود. او پادشاهی و سلطنت در یک سرزمین را به بدن انسان تشبیه کرده و معتقد است همان طور که پادشاه صالح مملکت را اصلاح می کند در بدن انسان نیز دل پاک، رفتار و کردار انسان را به صلاح می آورد: «بدرستی که در تن گوشت پاره ایست که هر گاه به

صلاح آید همه تن به صلاح آید و هر گاه به فساد آید مجموع تن به فساد آید و آن دلست» (همان: ۲۹۴). بنابراین او با اختصاص رتبه عالی به سلطان عادل او را جایگاهی قرار می دهد که همانند نفس پاک که بدن را تندرست و سالم نگه دارد سلطان عادل نیز جامعه را به سعادت و رستگاری هدایت می نماید. همدانی انسان ها را از نظر رفتار با خود و دیگران، به چهار گروه تقسیم کرده و نخستین گروه را انسان کامل می نامد، و می نویسد:

« اول آن که عالم بالله بود بنفسه و عامل لله بود بجوارحه و این اکمل خلفاء معنویست و در هر عصر و زمان وجود شریف چنین کس کم یافت شود و نادر بود و هر که به دولت نظر او مشرف گردد به سعادت ابدی یابد. دوم آن که از این دو حال بکلی عاری است و این چنین کس شیطان روزگار است و در صورت آدمی و هر که بدو پیوندد به شقاوت ابدی گرفتار شود. سوم آن که خود بنفسه مزین بود به زینت علم و لیکن رعایای جوارح و اعضا را به قصور اهمال از تاثیر ثمره اعمال منجیه عاری می دارد اهل بادیه مملکت را به اکتساب سعادت ابدی دلالت نمی کند. چهارم آن که در تسدید و ارشاد رعایای ملک ساعی و ناصح بود ولی بنفس خود از نور جواهر حقایق علمی خالی باشد و از مسابقه صفوف مبارزان عرصه علم بالله عاجز. و این خلیفه ظالم نفس خودست» (همان، ۳۱۰-۳۰۹).

ایشان در معرفی مقام و منزلت انسانهای کامل معتقد است مقام و منزلت آنها بسیار والاتر از مقام سلاطین صوری است و مانند قطره ای است در برابر دریای بی کران، آنان قادر هستند هر قومی را از خواب غفلت بیدار کنند (همان: ۳۲۹-۳۲۸). وی با برشمردن صفات حسنه انسان کامل می نویسد: «پس هر آدمی را که کمال این صفات حاصل شود، آن کس منظور نظر الهی و بر کشیده حضرت نامتناهی است و مجموع آسمانیان و زمینیان محکوم احکام سلطنت و مقهور تصاریف جلالت اویند» (همان: ۳۳۴-۳۳۳). حکومت آرمانی همدانی با استقرار انسان کامل محقق می شود، اما با توجه به این که امیدی به تشکیل حکومت آرمانی از سوی علمای دین و عرفا و مشایخ زمان خود ندارد و خود نیز اهل سیاست نیست پس تلاش می کند با طرح اندیشه سیاسی سلطانی، سلاطین زمان را جانشین خدا بر روی زمین معرفی و علمای دین و عرفا را راهنمایان آنان در امر حکومت معرفی نماید.

۴-۳- مقایسه تطبیقی نگرش سید علی همدانی، علاء الدوله سمنانی و سید حیدر آملی در خصوص اندیشه سیاسی عرفانی انسان کامل

بررسی مقایسه‌ای اندیشه‌های همدانی در خصوص انسان کامل با سمنانی (م ۷۳۶ ه.ق) از آن رو که وی استاد سید علی همدانی می‌باشد و همچنین بررسی اندیشه‌های سید حیدر آملی (م ۷۸۷ ه.ق) به عنوان پدر عرفان شیعی حائز اهمیت است. علاء الدوله سمنانی یکی از استادان سید علی همدانی، به مدت ۱۰ سال در دربار ایلخانان شغل دیوانی داشت، اما از خدمت دولتی فاصله گرفت و به ریاضت پرداخت (سمنانی، ۱۳۶۹: ۲۵۲-۲۵۳) مضامینی که ابن عربی در خصوص وحدت وجود به عنوان مدخل بحث انسان کامل به کار برده است، توسط شارحان وی از جمله سمنانی نیز مورد توجه و به نوعی الگو برداری شده است. سمنانی تحت تاثیر آرای ابن عربی، در مسیری حرکت می‌کند که در دوره‌های بعدی با تقریب به اندیشه شیعی، پیوند تصوف با تشیع را ممکن می‌سازد. این نوع اندیشه را می‌توان در تقابل با اندیشه کلامی دانست. مسیری که سید حیدر آملی به عنوان پدر عرفان شیعی آن را به سرانجام رساند.

سمنانی همانند ابن عربی انسان کامل را در وجود پیامبر (ص) می‌داند و علاوه بر آن به ائمه و امام علی (ع) نیز ارادت ایمانی و اعتقادی داشت و هر وقت نام ائمه را ذکر می‌کند همانند شیعیان بر آنها درود می‌فرستاد (محمدی وایقانی، ۱۳۸۱: ۳۲۵-۳۲۶). او هیچ موقع از خلفای راشدین بدگویی نکرده و حتی از فضائل آنها نیز سخن می‌گوید (سمنانی، ۱۳۶۲: ۲۰۵)؛ در این خصوص همدانی پیرو استاد خویش بوده است و در آثار خویش از خلفای راشدین به نیکی یاد کرده است (همدانی، ۱۳۵۸: ۲۲۷-۲۲۸). اما در خصوص بحث مهدویت و اطلاق انسان کامل به حضرت مهدی (عج)، همدانی با استادش همسو نیست. سمنانی بر اساس همین نگرش درباره انسان کامل، به موضوع مهدویت و مهدی به عنوان انسان کامل توجه کرده است و در خصوص موعود آخر الزمان و مهدویت همسو با عقاید شیعه سخن گفته و معتقد است در شخص امام مهدی سلطنت و ولایت با یکدیگر جمع خواهد شد (سمنانی، ۱۳۶۲: ۲۸۸-۲۸۹).

همسویی همدانی با سمنانی در بحث خلیفه الهی بیشتر نمود پیدا کرده است. سمنانی معتقد است از آنجایی که انسان قادر به کسب صفات خداوند است می‌تواند به ولایت برسد و این ولایت از آن رو که جنبه سیاسی دارد می‌تواند به سلطنت تبدیل شود: «بدان که اگر توفیق الهی نصیب گردد، جمع می‌شود سلطنت و ولایت در یک شخص؛ به برکت او به صلاح درآید احوال خلاق در ظاهر و باطن و به صورت و معنی بر وجه اکمل و افضل، و امید می‌دارم ظهور مهدی موعود، که حدیث مصطفوی -

علیه‌الصَّلوة و السَّلَام - بدان ناطق است که فرمود: «لَوْ لَمْ يَبْقَ مِنَ الْعَالَمِ إِلَّا يَوْمٌ وَاحِدٌ لَطَوَّلَ اللَّهُ ذَلِكَ الْيَوْمَ لِخُرُوجِهِ» و دیگر فرمود: «المهدی من ولد فاطمه اسمُه اسمی و کُنیتُه کُنیتی تملأ الارض قسطاً و عدلاً كما ملئت جوراً و ظلماً» (سمنانی، ۱۳۶۲: ۲۸۸-۲۸۹). همدانی نیز همانند استادش، انسان کامل را که در غیاب ائمه در وجود سلطان متجلی شده، وی را در زمین نایب و برگزیده حق و سایه الله و خلیفه الرحمن می داند (همدانی، ۱۳۵۸: ۲۵۰). با این تفاوت که همدانی اولین انسان کامل و خلیفه الله را در وجود حضرت آدم می داند که تجلی سیاست و نبوت است (همدانی، ۱۳۵۸: ۱۷)، اما سمنانی این مقام را همسو با عقاید شیعه به امام مهدی نسبت می دهد. در این خصوص اندیشه های سید حیدر آملی و سمنانی همسویی بیشتری دارند.

نگرش سیدحیدر آملی (۷۲۰-۷۸۷ه.ق) درباره مقام خلیفه الهی و انسان کامل (آملی، ۱۳۶۸: ۶۳۲) در پیوند با نگرشی است که توانایی برای اتحاد میان تصوف و تشیع دارد. سیدحیدر آملی انسان کامل را کسی می داند که به علم شریعت و طریقت و حقیقت مسلط باشد و آفات نفس و بیماریهای روحی و دوائ آنها را می داند. او همانند اسلاف خویش بحث انسان کامل را از ابن عربی به عاریت گرفته است و معتقد است که عقل و نقل و کشف هر سه متفقند که مقام خاتمیت ولایت مطلقه از آن حضرت علی(ع) است که از فرزندان آن حضرت است و مرتبه کمتر از وزیری از وزرای مهدی (عج) به مراتب کثیری از مرتبه محی الدین و امثالش بالاتر است (همان: ۵۳۰). بنابراین اندیشه های سید حیدر آملی در بحث مهدویت به اندیشه های سمنانی تقرب زیادی دارد و موضوع مهدویت در اندیشه سیاسی سید حیدر و سمنانی این دو را از همدانی تمیز می کند. حیدر آملی خود جریان ساز یکی از مهمترین جریانهای اندیشه سیاسی پس از خود بوده است که بواسطه آن دو رویکرد و جریان تصوف و تشیع را در متن تعامل های این دو جریان درباره وحدت وجود و همچنین مهدویت باز تعریف کرده است.

با وجود اختلاف نظر بین سمنانی، همدانی و آملی، آنها در باب جایگاه انسان کامل، دیدگاههای بسیار مشترکی دارند. هم‌چنین از مقایسه دیدگاه آنها به خوبی بر می آید که بحث ولایت، خلافت و انسان کامل در دیدگاه آنها از نقش اساسی برخوردار است. در عین این شباهت‌ها، این سه عارف در برخی موارد با یکدیگر توافق ندارند، تفاوت بین سمنانی، همدانی و آملی بیشتر از آنجا ناشی می شود که از طرفی سمنانی و آملی بر روش هستی شناسانه ابن عربی بسیار پای بند هستند و از طرفی سید حیدر آملی به

عنوان شاگرد شهید اول، تمام کوشش خود را مصروف پیوند و تقرب تشیع و تصوف نموده بود (الشیبی، ۱۳۸۰: ۱۰۴) اما طریقه سید علی همدانی مبتنی بر طریقت کبرویه است که طریقه آنان همان طریقه اهل حب و محبت بر پایه محبت و عشق الهی است. همچنین ادبیات این سه عارف نیز در طرح مباحث عرفانی تا حدی متفاوت است. ریشه این امر را می‌توان در فضای فرهنگی، مذهبی دوره زیست آنها دانست، سمنانی در فضای تسامح و تساهل مذهبی عصر ایلخانان و سید حیدرآملی در فضای شیعی منطقه طبرستان و با پیشینه عقیدتی تقرب تشیع و تصوف می‌زیسته، اما سید علی همدانی در فضای خفقان آور عصر تیموری مجبور به تقیه بوده است و از همین رو بود که سید علی راه برون رفت از فضای بسته فرهنگی عصر خویش را در مهاجرت به ختلان و سپس کشمیر یافت.

بنابراین با توجه به مطالب فوق، شاکله اندیشه سیاسی عرفانی سید علی همدانی با وجود تفاوتی، عاریت گرفته از استاد خویش، سمنانی می‌باشد. اندیشه‌های سیدعلی همدانی بیش از آنکه متأثر از اندیشه‌های تصوف ابن عربی باشد بر مبنای اصول عقاید اندیشمندان اهل تسنن و طریقت کبرویه است و روابط عبد و معبودی در آن لحاظ شده است و همین مباحث گرایش وی به مسلک شافعی را نشان می‌دهد. انسان کاملی که او مدنظر دارد تنها بواسطه عبودیت خداوند و کسب صفات خداوند می‌تواند به مقام ولایت و سلطنت دست یابد. از این رو با اندیشه‌های شیعی و تصوف در این باره متفاوت و حتی در تقابل با آنها می‌باشد.

۵- جایگاه مقام سلطان در اندیشه عرفانی انسان کامل سید علی همدانی

سید علی همدانی در غیاب انسان کامل و برای رسیدن به جامعه آرمانی مبتنی بر اهداف و روش حکومتی انسان کامل، به تقویت اخلاق سیاسی حاکمان وقت می‌پردازد، تا آنها در چنین جایگاهی قرار گیرند. او در شرایط زمانی قرن هشتم هجری، تلاش کرد حکام وقت را به پیروی از الگوها و روش حکومت داری انسان کامل ترغیب کرده و جامعه آرمانی مبتنی بر اخلاق و عدالت را پیاده سازد؛ بنابراین به تقویت جایگاه حکام پرداخت. او به واقعیت‌های سیاسی زمان توجه نموده و در غیاب انسان کامل، برای استقرار حکومت مطلوب، حکام وقت را جانشین خدا در زمین و برگزیده حق نامید. او سلطان را در جایگاه انسان کامل قرار داد و مشروعیت حکومت وی را ملزم به رعایت

مولفه های انسان کامل می داند. او خطاب به حاکمان می نویسد: «چون طریق معدلت و احسان بگذارد و بر بندگان حق شفقت نکند و متابعت نفس و هوا کند و اهمال اقامت حدود شرع روا دارد، وی به حقیقت نایب دجال و دشمن خدا و رسول خدا و خلیفه شیطان است» (همدانی، ۱۳۵۸: ۲۵۰). بدین شکل تلاش کرده از طریق پند و اندرز انبیا، اولیا و صلحا را به عنوان الگوی حکومتی برای سلاطین معرفی نماید و آنان را به اصلاح اخلاق فردی و مدنی در کشورداری و رعایت وظایف خود در برابر رعایا بر اساس موازین شرع دعوت کند. اندیشه های اجتماعی، سیاسی و اخلاقی علی همدانی جهت های خاص خود را دارند. او حل همه گونه مسائل سیاسی را از موضع دین و اخلاق بررسی می نماید. او مصلحی بود که اصلاح دولت و مصلحت ملت در دین و دنیا را یک جا مدنظر داشت و به مردم تاکید می کرد که همیشه دولت مردان را از نظرات و نصایح خود بهره مند گردانند. وی رسول مکرم اسلام (ص) را نمونه عالی انسان کامل و الگوی سیاسی برای فرمانروایی می دانست و با استناد به سیره و روش سیاسی پیامبر اکرم (ص) به فرمانروایان توصیه می کرد تا از آن حضرت الگو بگیرند. این نظریه سیاسی شاه همدان بخشی از نگرش فلسفی او بود که مبنای آن شریعت اسلامی است. (موسوی نجفی، ۱۳۸۴: ۱۷-۱۳۸۷: ۲۰۷-۲۲۰)

در این بخش ویژگیهای اخلاقی انسان کامل که همدانی بر رعایت آنها از سوی سلطان در مقام انسان کامل تاکید دارد، مورد بررسی قرار می گیرد. رعایت این ویژگی ها از سوی سلطان در راستای تبیین اندیشه سیاسی سید علی همدانی است که در قالب ویژگیهای انسان کامل آنها را عرضه می کند.

۵-۱- اخلاق فردی و اخلاق سیاسی، ایمان و دوری از رذایل اخلاقی

او در مسیر توصیه به سلاطین، ابتدا از اخلاق فردی بحث می کند تا به اخلاق جمع و مدنی که همان سیاست است، برسد. او در بیان ویژگی های انسان کامل اخلاق سیاسی را مورد توجه قرار داده و می گوید « هر کس از انبیا و اولیا و علمای دین بقدر حصول این حقایق با روحانیت احمدی رابطه معنوی ثابت می گردد آن رابطه وسیله قربت حضرت صمدیت می شود» (همدانی، ۱۳۵۸: ۱۴۴).

البته در دوره میانه، در اندیشه حق الهی سلطنت، نظریه پردازان مسلمان با استفاده از آیات و روایات حداکثر تلاش خود را برای توجیه ظلم حاکم، مقبولیت سلطان نزد

رعیت، مشروعیت بخشی به کار بستند. اندیشمندان دوره اسلامی با این تعبیر که سایه از اصل جدا نیست (فیرحی، ۱۳۸۵: ۲۰۴). این اعتقاد را ترویج دادند که سلطان هیچگاه نمایندگی خدا را از دست نمی دهد و همیشه مشروعیت دارد، زیرا تنها خدا مرجع بازخواست سلطان است و رعایا تنها باید اطاعت کنند. چنانچه ظلم کرد برای او گناه و بر صبر رعیت، ثواب است: «السلطان ظلُّ اهلل فی أرضه، فَمَنْ اطَاعَه فَقَدْ اطَاعَنی وَ مَنْ عَصَا فَقَدْ عَصَانی» (ثعالی، ۱۳۶۹: ۴۰) و در این میان عارفانی همچون سید علی همدانی، اصلاح رفتار سلطان از طریق پند و اندرز و با هدف استقرار حکومتی مبتنی بر مولفه های اخلاق سیاسی موجود در اندیشه انسان کامل را در راس نظریه پردازی خویش قرار دادند. سید علی همدانی عمل صالح را به عنوان یکی از ویژگی های کسب مقام انسان کامل برای سلاطین می داند عمل صالح را رکنی از ارکان ایمان دانسته و می نویسد: «مومن آن است که مردم از وی ایمن باشد. غازی آن است که با نفس خود غزا کند و در بندگی حق باشد» (همدانی، ۱۳۵۸: ۲۰). مومن زنا نمی کند، خمر نمی خورد، کسی را بناحق نمی کشد... (همان: ۲۹).

همدانی با برشمردن گناهان کبیره مربوط به اعمال انسان شامل شرک، نیت بر اصرار معصیت، ناامیدی از رحمت حق، سوگند دروغ، سحر، شرب خمر، اکمل مال یتیم، ربا و زنا، دوری از این اعمال ناپسند را برای تقویت ایمان لازم و ضروری دانسته و با پند و اندرز های دینی، دستیابی به سلامتی اخلاق در جامعه را ممکن می داند، به عبارت دیگر او ایمان را رکن اصلی سلامت اخلاق فرد قرار داده و مرتب با ذکر آیات قرآنی و حدیث نبوی و حکایات پند آموز تلاش می کند با اصلاح رفتار سلاطین موجبات انسان گرایی و گسترش معنویت را در جامعه فراهم کند، به همین خاطر می گوید: «ای عزیز نشان طالب سعادت اخروی آن است که از این تنبیهات غافل نباشد و در مراعات شرایط ارکان نماز اهمال جایز ندارد، چون آواز مودن بشنود از منادی عرض در مجمع قیامت یاد کند» (همان: ۶۰).

از نظر همدانی رذایل اخلاقی مانند کبر، حرص، بخل، عُجب، حسد، حقد و ریا مانند مار و کژدمان در جامعه انسان هستند، پس هرگاه کسی انسان را از وجود این آفات و صفات ناپسند آگاه کند، آن را منت دارد و به عداوت و دشمنی با فرد هشدار دهنده نپردازد (همان: ۱۵۳). او این سخنان را در شرایطی بیان کرده است که برای پند و نصیحت به نزد تیمور رفته و وی را از ظلم و ستم بر مسلمانان برحذر داشته اما تیمور نه

تنها به نصایح او گوش نداده بلکه وی را مورد غضب خویش قرار داده بود. او در ادامه بحث در ایمان فردی، سخاوت و احسان را از دیگر سجایای اخلاق فردی معرفی نموده و می نویسد: «اول چیزی که در ترازوی اعمال بندگان در روز قیامت نهاده شود، حُسن خلق و سخاوت باشد، کرم مرد بر قدردین وی است» (همان، ۱۲۶).

او احسان و نیکی را عامل زدودن گناهان می داند با نقل روایتی از رسول خدا (ص) می گوید: «نکویبها گناهان را می گذازد چنان که آفتاب برف و یخ را می گذازد» (همان، ۱۲۸). در خصوص حسن خلق می گوید پیامبر(ص) فرمود «گران تر چیزی که در ترازوی مومن نهاده شود روز قیامت، خلق نیک است و بدرستی که خدای تعالی دشمن می دارد درشت سخن بسیار گوی را» (همان، ۱۳۰). او راه رسیدن به حسن خلق را چنین بر می شمارد: «حسن خلق کمال نباشد مگر به اعتدال صفات حمیده چون علم، حکمت، تقوی و سخاوت، شجاعت، حکم و تواضع و انائت و عفت و عدل این صفات از حد افراط و تفریط باید نگاه داشته آید» (همان، ۱۳۴). از نظر او دینداران واقعی کسانی هستند که با شریعت همدم و همراه باشند و به حکمت و عقلانیت که مطابق با شریعت است تن در دهند، زیرا «قوم سیاست و پادشاهی با شریعت است، به طوری که زوال شریعت زوال سیاست و زمامداری را در پی دارد» (همان، ۱۰۵). سید علی همدانی در غیاب انسان کامل و در جستجوی جامعه آرمانی خویش، توجه ویژه ای به نقش فرمانروا و حاکم دارد و تلاش عمده وی نشان دادن راه و رسم فرمانروایی مبتنی بر اخلاق سیاسی به اوست. در واقع سید علی همدانی به عنوان یک عارف، رویکرد سیاسی اش معطوف به رفتار حاکم است تا جایی که وی با ذکر ویژگی های پادشاهان به عنوان ظل الله مولفه ها و ارکان اندیشه سلطانی را مطرح و سعی در اصلاح رفتار سلطان دارد.

او ایثار و از خود گذشتگی را یکی دیگر از جلوه های اخلاق سیاسی می داند و در آثار خویش تاکید زیادی به این مسئله داشته است و حتی ایثار را در مرتبه بالاتر از عدل و احسان قرار می دهد (بدخشی، ۱۹۹۵: ۱۲۵). او از ساده زیستی و عدل و انصاف حاکمان سخن می گوید و در وصف سلطنت و حکومت یکی از نمونه های انسان کامل یعنی نبوت حضرت موسی ساده زیستی او را مثال می زند «موسی به روایتی سی و شش و به روایتی سی و نه سال برین لشکر حاکم بود و در این مدت او را نه مرکبی بود و نه جامه ای بلکه در این مدت مالک قوت هم نگشت پوستینی پاژگونه پوشیدی و کلاهی نمود بر سر نهادی و نعلین چرم خام در پای کردی» (همدانی، ۱۳۵۸: ۲۲۹، ۲۳۰).

۵-۲- رعیت داری و عدالت محوری سلطان

رعیت داری از دیگر ارکان اندیشه انسان کامل هم مورد توجه سید علی همدانی قرار گرفته است. وی سخنی از پیامبر(ص) به نقل از عبد الرحمن سمره بیان می کند که «حاکمی که حق رعیت را به جا نیاورد و کوتاهی در انجام وظایف خویش در حق مردم کرد خداوند بهشت را بر وی حرام گرداند» (همان: ۲۲۲). همچنین در حدیثی از پیامبر (ص) از دادگری سلاطین به عنوان یکی دیگر از وظایف پادشاه یاد می کند که «هیچ حاکمی یک شب با ظلم رعیت خواب نکند الا که خدای عزوجل بهشت را بر وی حرام گرداند» (همان: ۲۲۰)، و در سخنی دیگر از پیامبر(ص) به نقل از امام علی (ع) می گوید «اول کسی که در دوزخ آید حاکمی بود که به تسلط بر مسلمانان حکم کند به هوای نفس و عدل نکند» (همان: ۲۲۲). سید علی به حکام توصیه می کند که شب زنده دار بودن و ورد خواندن و زهد ورزیدن کار درویشان است و پادشاه باید به جای این امور به انجام واجبات اکتفا کند و در عوض به کمک حاجتمندان بشتابد و داد مظلومان را بستاند، چه این که اگر کسی یک دل شکسته را در یابد و یا یک درمانده را معمور سازد بهتر از آن است که در همه عمر خود بیدار باشد و نوافل به جای آورد. همدانی معتقد است برای رسیدن به خداوند راهی نزدیک تر از خدمت رسانی به خلق وجود ندارد «ما از این راه مقصود یافته ایم و عزیزان را همیشه وصیت و توصیف می کنیم که خدمت به عیال الله را شعار خود سازند» (ریاض، ۱۳۵۳: ۳۴۸). از نظر همدانی هر گاه حکومت پادشاه بر پایه عدالت و احسان باشد و به اقامه حدود شرع و اجرای احکام دین بپردازد، وی در زمین نایب و برگزیده حق و سایه الله و خلیفه الرحمن است (همدانی، ۱۳۵۸: ۲۵۰).

سید علی همدانی در باب رعیت داری سلاطین و حکام می گوید رعیت مسلمان بر پادشاه حقی دارد که ادای این حق بر پادشاه واجب است برخی از این حق و حقوق عبارتند از: تواضع و عدم غرور، رعایت حریم و حدود افراد، احترام به پیران و مهربانی با اطفال، عفو و بخشش، نگهداشت حریم خصوصی افراد، وفای به عهد، حسن رفتار با مردم و گشاده رویی، عدم تجسس در کشف گناهان مسلمانان، مجالست با مساکین و ضعفا، کسب اطلاع از اوضاع و احوال مساکین و ایتام (همان: ۲۶۶-۲۸۳) که همگی از نکات اخلاقی است که از ارکان اندیشه ایران شهری محسوب می شوند. همچنین از دیگر وظایف پادشاه نسبت به رعیت، عمران و آبادانی، ساخت پل و مسجد، ایجاد امنیت و

آسایش در کشور از دیگر ویژگیهای حاکم عادل است که در کتاب ذخیره الملوک آمده است (همان: ۲۸۱-۲۸۲).

۵-۳- ارتباط سید علی همدانی با سلاطین

سید علی همدانی در راستای اهداف خویش اقدام به نگارش نامه هایی با مضامین اخلاقی و عدالت محوری، به سلاطین و حکام نواحی مختلف می کند. در مجموعه مکتوبات او نامه های متعدد به نام پادشاهان و امیران موجود است و مطالعه آنها نشان می دهد که همدانی با کمال صراحت لهجه و بی باکی به حکام، نصایح دینی می دهد و آنان را به اجرای اوامر و نواهی شرع اسلامی توصیه می کند (ریاض، ۱۳۷۰: ۵۱). در سرتاسر مکتوبات او توصیه های اخلاقی و رعایت اخلاق به وفور مشاهده می شود. البته او فقط حاکمان را خطاب قرار نمی دهد، بلکه سخنان او سراسر پند و نصیحت برای آحاد جامعه به خصوص برای سلاطین است. او با استناد به قرآن کریم و اشعار شاعرانی چون نظامی، مولوی، سعدی... عدالت را در اولویت قرار می دهد و در نامه ها و مکتوبات وی به سلاطین، مکارم اخلاقی و توصیه به نیکی و عدالت، شاه بیت نامه های وی می باشد (همدانی، ۹۴۰: ۱۰۷، اذکایی، ۱۳۹۴: ۲۰۰) «موضوع مکاتیب وی امر به معروف و نهی از منکر و لزوم ترفیه حال مردم بوسیله حکام است. او در تبیین امور حق دقیقه ای فرو نگذاشته و همواره توجه حکام را به ادای حقوق بندگان و رفاه حال مردم معطوف ساخته است» (ریاض، ۱۳۵۳: ۳۴).

در نامه ای به سلطان بهرامشاه، حاکم بدخشان و بلخ، وی را به عدل و انصاف و رعیت پروری و دادرسی مظلومان و ترحم بر یتیمان دعوت می کند (ریاض، ۱۳۷۰: ۱۲۱) یا در نامه ای به سلطان قطب الدین پادشاه کشمیر وی را به عدالت دعوت می کند و می نویسد اولین سؤال از پادشاهان در قیامت در مورد عدل است (همان: ۱۲۲)، در نامه دیگری به طغانشاه حاکم ناحیه کونار که تحت حمایت پادشاهی کشمیر بود می نویسد «... پس حاکم عادل را باید که از خطر حکومت غافل نباشد و قدر نعمت آن حضرت را در حق خود بشناسد و در اوان فراغت عدل و احسان را به جناب قرب حضرت پروردگاری، وسیلتی سازد» (همدانی، ۹۰۷: ۳۱).

نتیجه :

جاذبه و قدرت اندیشه عرفانی باعث شد این جریان در قرن هشتم هجری از طریق تعامل با اندیشه های سلطانی به یکی از عناصر قدرتمند جامعه اسلامی در حوزه تفکر و اندیشه تبدیل شود. عرفا با طرح اندیشه انسان کامل و مقام خلیفه الهی در آثار خود باعث انسجام اندیشه عرفانی شدند. اندیشه انسان کامل از سوی عرفای ایرانی در شرایط زمانی مطرح شد که خلافت عباسیان سقوط کرده، در نتیجه خلاء مشروعیت سیاسی فضا را برای بروز اندیشه های جدید فراهم ساخته بود. در دیدگاه عرفا، انسان کامل واسطه بین خالق و مخلوق و حجت خداوند بر روی زمین است. این شخصیت والا مقام کسی جز معصوم (ع) و امام و پیشوای همه مردم، نیست. عرفای مسلمان با طرح این اندیشه در صدد برآمدند جایگزینی برای خلافت پیدا کنند. از نظر آنان والاترین انسان برای خلیفه الهی انسان کامل است.

مرجع عرفا در بیان اندیشه های سیاسی خویش، شریعت و حدیث بود. از نظر عرفای اسلام با اینکه پدیده های جهان همه مظهر اسماء و صفات حق اند، اما در اسماء و صفات الهی نوعی تضاد و تخالف است در نتیجه به یک حاکم عادل که در میان این حقایق متضاد تعادل برقرار سازد نیاز است و این حاکم عادل، انسان کامل است که عبارت است از حقیقت محمدی. در غیاب انسان کامل، فرمانروای حق، سلطانی است که مولفه های اخلاق سیاسی و نظم سلطانی را دارا باشد. در این میان سید علی همدانی ضمن اولویت دادن به اخلاق فردی و مدنی در سیاست، به ارائه رهنمود های لازم جهت حکومت عادلانه سلاطین بر مبنای مولفه های عرفانی و شریعت اسلام می پردازد. او تلاش می کند با توسل به اندیشه انسان کامل، سلاطین را وادار به حکومت عادلانه کند. همه این موارد بیانگر تداوم اندیشه عرفانی و پویایی آن بر اثر تعامل و رابطه با اندیشه پادشاهی می باشد.

همدانی بیش از آن که به جنبه های ساختاری سیاست و حکومت بپردازد، به مباحث مربوط به اصلاح آن از طریق آسیب شناسی اخلاقی و دینی حاکم و حکومت مبتنی بر نظم سلطانی پرداخته و سعی کرده با استفاده از دو قالب شریعت نامه نویسی و آموزه های حکمت عملی، نظام سیاسی مطلوب خود را در وجود انسان کامل و در غیاب آن، در وجود حاکمی صالح و عادل ترسیم کند و از این رو تقریباً در تمام مباحث سیاسی همدانی می توان رگه های مربوط به اخلاق و دیانت مبتنی بر نظم سلطانی را

یافت. سید علی همدانی در شرایط زمانی قرن هشتم و در غیاب انسان کامل، حکومت آرمانی خویش را در جامعه ای جستجو می کند که حاکم وقت از الگوها و روش حکومتی انسان کامل پیروی کند و در راستای این هدف خویش، توصیه های اخلاقی به حکام وقت را سرلوحه خویش قرار می دهد و بدین ترتیب سلطان را در جایگاه انسان کامل قرار می دهد. او سعی می کرد ویژگی های انسان کامل را در وجود سلاطین ایجاد کند؛ یعنی به سلاطین گوشزد می کند به شرط دارا بودن صفاتی پسندیده می توانند جانشین انسان کامل در حکومت باشند و مقام ظل اللهی را داشته باشند.

اعتقاد به حاکمیت انسان کامل اندیشه آرمانی اوست، بارها در متن ذخیره الملوک می نویسد چنین انسان هایی در این دوره کم یافت می شوند و کامل اند و دارای صفات حسنه هستند. مقام آنها در برابر سلاطین صوری مانند قطره ایست در برابر دریا. اما چون امکان تشکیل حکومت انسان کامل نمی یابد، به حکام زمان روی می آورد و تلاش می کند با پند و نصیحت و اصلاح اخلاق مدنی حداقل شرایط لازم را برای حکومت مطلوب از سوی آنان مهیا سازد. شیوه بحث همدانی در کتاب ذخیره الملوک حاکی از پیوندی است که او بین مباحث دین و سیاست قائل است، چرا که در هر یک از باب های ده گانه این کتاب که به منظور ارشاد پادشاهان و ترغیب آنان به رعایت الگوهای انسان کامل نوشته شده، ابتدا به بیان آیات و روایات مربوط به موضوع مطرح شده می پردازد و سپس در قالب های فلسفی، عرفانی و اخلاقی به تأیید و اثبات همان مطالب همت می گمارد.

منابع و ماخذ:

- ۱- آملی، سید حیدر، (۱۳۶۸) جامع الاسرار و منبع الانوار، با تصحیحات هانری کربن و عثمان یحیی، تهران: علمی فرهنگی.
- ۲- ابرقوهی، شمس الدین ابراهیم، (۱۳۶۴)، مجمع البحرين، به اهتمام نجیب مایل هروی، تهران: مولى.
- ۳- ابن عربی، (۱۳۸۵) فصوص الحکم، ترجمه و مقدمه و توضیح محمد علی و صمد موحد، تهران: کارنامه.
- ۴- اذکایی، پرویز، (۱۳۹۴) میر همدان (احوال و آثار و آراء میر سیدعلی همدانی به انضمام پنج رساله وی)، همدان: بنیاد بوعلی سینا.
- ۵- الشیبی، کامل مصطفی، (۱۳۸۰)، تشیع و تصوف تا آغاز سده دوازدهم هجری، ترجمه علیرضا ذکاتوی، تهران: امیر کبیر.
- ۶- انواری، سید محمود (۱۳۵۶) سیدعلی همدانی و تحلیل آثار او، پژوهشهای فلسفی، دانشکده ادبیات دانشگاه تبریز، شماره ۱۲۳، (۲۹۷-۳۶۳)
- ۷- بدخش، نورالدین جعفر، (۱۹۹۵) خلاصه المناقب، تصحیح سیده اشرف ظفر، اسلام آباد، مرکز تحقیقات فارسی ایران و پاکستان.
- ۸- ثعالبی، ابی منصور، (۱۳۶۹) آداب الملوک، ترجمه جلیل العطیه، بیروت: دارالغرب اسلامی
- ۹- رازی، نجم الدین، (۱۳۷۱)، مرصاد العباد، به اهتمام محمد امین ریاحی، تهران: علمی فرهنگی.
- ۱۰- ریاض، محمد، (۱۳۵۳)، متن مکتوبات میرسیدعلی همدانی: مجله دانشکده ادبیات و علوم انسانی دانشگاه تهران، ش ۸۵، (۳۳-۶۶)
- ۱۱- -----، (۱۳۷۰) احوال و آثار و اشعار میر سید علی همدانی با شش رساله از وی، تحقیقات فارسی ایران و پاکستان: اسلام آباد.
- ۱۲- سمنانی، علاء الدوله، (۱۳۶۲) العروه لاهل الخلوه و الجلوه، تصحیح نجیب مایل هروی، تهران: مولا.
- ۱۳- -----، (۱۳۶۹) بیان الاحسان لاهل العرفان، تهران: علمی فرهنگی.
- ۱۴- عطایی، عبدالله، (۱۳۸۷)، نقش میر سید همدانی در توسعه هنر و ترویج صنایع دستی در کشمیر: آینه میراث، شماره ۴۳، (۲۲۰-۲۰۷)
- ۱۵- فغانی، حجت الله (۱۳۹۴)، جایگاه میر سید علی همدانی در گستره تصوف در آسیای مرکزی، فصلنامه رودکی، پژوهش های زبانی و ادبی آسیای مرکزی، شماره ۳۴، (۸۰-۶۷)
- ۱۶- فدایی مهربانی، مهدی (۱۳۸۸) پیدایی اندیشه سیاسی عرفانی در ایران، چاپ اول، تهران: نشر نی.
- ۱۷- فیرحی، داود، (۱۳۸۵) قدرت دانش و مشروعیت در اسلام، تهران: نی.
- ۱۸- قیصری، داوود بن محمود. (۱۳۸۷)، شرح قیصری بر فصوص الحکم ابن عربی، ترجمه محمدخواجهی، چاپ اول، تهران: مولى.
- ۱۹- ----- (۱۳۷۵) شرح فصوص الحکم ابن عربی، به کوشش آشتیانی، تهران: علمی فرهنگی.
- ۲۰- کاشفی، محمد رضا، (۱۳۸۴) عرفان و تصوف، چاپ دوم، قم: معارف
- ۲۱- محمدی وایقانی، کاظم، (۱۳۸۱) علاء الدوله سمنانی، فرهنگ و ارشاد: تهران.
- ۲۲- موحد، صمد، (۱۳۷۶) شیخ محمود شبستری، چاپ اول، تهران: طرح نو
- ۲۳- موسوی نجفی، محمد، (۱۳۸۴) تاریخ شیعه در کشمیر هندوستان (تا پایان عصر مغولان کبیر)، پایان نامه کارشناسی ارشد: مدرسه عالی فقه و معارف اسلامی قم.
- ۲۴- نسفی، عزیزالدین، (۱۳۸۶) مجموعه رسائل مشهور به انسان کامل، تصحیح و مقدمه ماریژان موله و هانری کربن، چاپ هشتم، تهران: طهوری.
- ۲۵- نصری، عبدالله، (۱۳۷۵) سیمای انسان کامل از دیدگاه مکتب، چاپ سوم، تهران: علامه طباطبایی.
- ۲۶- هدایت، رضاقلی خان، (۱۳۸۹) علی همدانی قدس روحه، نصرت الله فروهر، در: ریاض العارفین، به کوشش سید رضی واحدی و سهراب زارع، چاپ اول، تهران: امیرکبیر.
- ۲۷- همدانی، سید علی، (۱۳۵۸)، ذخیره الملوک، به تصحیح محمود انواری، چاپ اول، تبریز: موسسه تاریخ و فرهنگ ایران.
- ۲۸- -----، (۹۰۷)، مکتوبات، نسخه خطی موزه و کتابخانه ملک، شماره ۴۲۷۴.
- ۲۹- -----، (۹۴۰)، مجموعه رسائل در فتوت و رسائل عرفانی، نسخه خطی کتابخانه مجلس، شماره ۵۰۷۸۲..